واکاوی

«ارشاد الزراعه» در دوره صفویه

ارشـــاد الزراعه یکی از مهم‌ترین آثاری است که تا به حال در زبان پارسی پیرامون کشاورزی از قرون گذشته ایران به یادگار مانده است. این کتاب نوشته قاسم ابن یوسف ابونصری هروی است که حدود سال ۹۲۱ ه.ق یعنی در اوایل سلطنت پادشاهان صفوی برای راهنمایی کســانی که مایل بودند به کشاورزی و باغبانی اشـــتغال ورزند، تالیف شده است و روش کشت و زرع و شناخت زندگی گیاهان و درختان را آموزش می‌دهد.

مولف کتاب در اثرش مکررا به گفته‌های جالینوس و افلاطون استناد می‌کند و همچنین نام برخی معاصران خود را در مقام منبع ذکر می‌کند. هروی همچنین تجارب علمی کشاورزان را نیز در اثر خود آورده و از پاره‌ای منابع فارســـی مربوط به قرون پنجم هجری به بعد در تالیف کتاب خود، بهره گرفته اســـت. از مطالعه این کتاب، چنان‌که مصحح کتاب اظهار می‌دارد، فواید بسیاری حاصل می‌شود.

در ذیل بخشی از منافع و فواید کتاب از نقطه نظر مصحح آن فهرست‌وار آورده می‌شود:

۱- آشـــنا شـــدن به طرز باغبانی و باغداری و طرح و احداث باغ‌های میوه و امثال آن.

۲- آشـــنا شـــدن با طرز آیـــش گـــذاردن و تنـــاوب زراعی معمول آن زمان.

۳- آشنایی با طرز زراعت‌های بزرگ، یونجه، کنجد، و کرچک، خشخاش، شاهدانه، گندم و...

۴- اطلاعاتی درباره انواع سبزی‌ها و علوفه و طرز تکثیر.

۵- طرز خشک کردن و نگهداری میوه و سبزیجات.

۶- زنبورداری و پرورش زنبور عسل (حفاظت از بیوت نحل).

۷ - پرورش کرم ابریشم.

۸ -نحوه آبیاری و کود دادن به انواع مزارع و شناختن خاک‌ها.

در مقایســـه فهرســـت فوق با داده‌های آثار دیگر شاید بتوان گفت که ارشـــادالزراعه در واقع کامل‌ترین آثار از این دســـت است و ابونصرهروی مهم‌ترین بخش از دستاوردها و آموزه‌های پیشـــینیان را از خلال تجارب موجود و متون متقدم در آستانه عصر صفویه بر اثر خود گردآوری کرده و عرضه داشته است.

از ایـــن روی مطالعه ارشـــادالزراعه درمقایســـه بـــا مطالب سفرنامه‌های موجود برای کسب آگاهی از وضعیت کشاورزی و دانش گیاه‌شناسی و فن فلاحت در عصر صفوی خود می‌تواند موضوع رساله‌ای مستقل قرار گیرد.

■ **ابزارها، تجهیزات و فنون مورد استفاده در کشاورزی**

به‌رغم تلاش‌های صورت‌گرفته در بهره‌برداری موثر و مطلوب از آب‌ها، شواهد گویای آن است که عملیات کشاورزی به‌دلیل محدودیت‌های منابع آبی و نظام آبیاری همواره به مناطق معینی محدود می‌شـــد. همچنین جنس خاک و میزان باروری آن و تکنولوژی و ابزارآلات مورد استفاده در مراحل مختلف کاشت تا برداشت در بهره‌دهی زراعت اهمیت داشته است. به‌طور مثال در برخی مناطق که جنس خاک سست و ضعیف بود، مرتبا باید به خاک کود داده می‌شد. به این منظور بیشتر از مدفوع حیواناتی چون الاغ، گاو، شتر و گوسفندان اســـتفاده می‌شد. استفاده از کود انسانی هم برای تقویت زمین استفاده می‌شد. در گزارش‌ها هســـت که روســـتاییان محلی برای تخلیه چاه‌های فاضلاب خانه‌ای شـــهری به بازار می‌آمدند و به‌طور رایگان یا گاهی در ازای پرداخت مبلغـــی، اجازه تخلیه داده می‌شـــد. از فضولات کبوتران و طیور نیز برای پر بارشـــدن زمین‌ها استفاده می‌شد. در اطراف اصفهان، کبوتر خانه‌هایی داشتند که گاهی ۱۰هزار پرنده درآن نگهداری می‌شد. شاردن در گزارش خود به شخم کردن زمین و کود دادن آن برای باروری بیشتر و آبیاری کرت‌ها اشـــاره کرده و می‌گوید، خیش‌های کوچکی دیده است که با گاو آنها را می‌کشـــند و برای کود دادن زمین از فضله کبوتران استفاده می‌شد.

برای کوبیدن دانه‌ها، آنها را زیـــر گاری‌های کوچکی که دور چرخ‌هایش آهن کشـــیده شـــده و حیوانات آنها را می‌کشند می‌ریزند. در برخی مناطق حیوانات گندم را لگدکوب می‌کنند. هنگام شخم‌زدن چوب خیش را به شـــاخ گاو نمی‌بندند، بلکه یوغی به گردن گاو می‌افکنند و خیش را به آن متصل می‌کنند.

پس از پایان یافتن شخم کاری کشـــاورزان کلوخ‌های زمین شخم‌خورده را با کلوخ کوب می‌کوبند، سپس با آلتی دیگر که سر آن مانند شن‌کش دندانه دندانه است، زمین را صاف و هموار می‌کنند. آن‌گاه با در نظر گرفتن شرایطی خاص به‌وسیله بیل به قطعات کوچک و منظم تقســـیم و با بالاآوردن لبه‌هایی که بلندیشان از یک پا درنمی‌گذرد، قطعات را از هم جدا می‌کنند تا آبیاری آنها آسان شود. (بعد از کرته‌بندی) مقدار آبی که به هر کرت می‌دهند چندان اســـت که مرغابی بتواند در آن شنا کند و بدین گونه باغ و بوستان را هر هفته یک‌بار آبیاری می‌کنند.

■ **سه گونه کود**

شاردن در ادامه می‌گوید: روستاییان ایران برای تقویت باغ‌ها و کشتزارهای خود سه گونه کود را به کار می‌برند. یک قسم آن مرکب از زباله وآشغال است. قسم دوم حاصل از کودگودال‌های فاضلاب خانه‌هاست که با بیل برمی‌دارند و خاک درآن نیست. قسم سوم کودی است که مدفوع کبوتران است و از کبوترخانه‌ها جمع‌آوری می‌کنند.

اولئاریوس در گزارش خود نوشـــته، خیش‌هایـــی دیده که حدودا با بیست گاو کشیده می‌شده و چندین مرد آن را هدایت می‌کرده‌اند. شاردن می‌نویسد: برای شخم زدن اراضی کشاورزی معمولا از گاوآهن استفاده می‌کنند و در نقاطی که زمین سخت و چرب است مانند ایروان و ارمنســـتان از گاوآهن‌های بزرگی اســـتفاده می‌کنند که چهار نفر روی هریک ازآنها کار می‌کند و چندین گاو نر آنها را می‌کشند.

با این گاوآهن‌ها شیارهایی به عرض دو و به عمق یک پا در زمین به‌وجود می‌آورند. برنج، گندم و جو از مهم‌ترین محصولات زراعی در این زمین‌هاست که مورد اشاره آدام اولئاریوس بوده است.

از مقاله‌ای به قلم محمدحسن ترابی‌اردکانی

ناصرالدین شاه خطاب به حاج‌سیاح:

این مردم لیاقت حکومت مشروطه ندارند

میرزا محمدعلی محلاتی (حاج ســـیاح ۱۲۱۵خورشـــیدی - ۱۳۰۴خورشیدی) فعال سیاسی مشروطه و سفرنامه‌نویس بود. حمید ســـیاح در مقدمه کتاب «دوره خوف و وحشت» پدرش را این‌گونه معرفی می‌کند: «پدرم حاج محمدعلی سیاح محلاتی، فرزند مرحوم حاج محمدرضا، در خانواده‌ای دوستدار علم و ادب به دنیا آمد و در عنفوان جوانی برای تحصیل علوم متداول آن زمان به تهران و بعد با کمک مالی عموی خود به عتبات مقدسه مسافرت کرده و از محضر دانشمندان و علمای عصر خویش بهره‌مند شد. در مراکز علمی نجف و کربلا، از ممالک مختلف، از جمله قفقازیه و هندوستان، طلاب مسلمان برای تحصیل علوم دینی گرد آمده و به بحث و فحص در ارتباط با وضع حکومت‌های مسلمان و مقایسه آنها با ممالک اروپایی مشـــغول بودند، مرحوم پدرم نیز که آتش بیداد حکام و صاحب‌منصبان قاجار را ملاحظه کرده بود، با داشتن چنین عقیده‌ای شوق سیاحت و مطالعه در وضع اجتماعی ممالک مترقی در ایشان بر انگیخته شد.»

حاج سیاح نخستین ایرانی اســـت که در دوران مدرن، به سیاحت جهان پرداخت. با بســـیاری از بزرگان نیمه قرن ۱۹ مانند تزار روس، گاریبالدی، امپراتور بلژیک و رئیس‌جمهوری وقـــت آمریکا دیـــدار و بحث کـــرده و همچنین نخســـتین ایرانی اســـت که عبارت حقوق بشـــر را به معنای امروزی آن به‌کار برده است.

در سال ۱۲۷۶ه ق از مسیر زنجان و تبریز و مرز قفقاز سفر خود را به دور دنیا آغـــاز می‌کند و تعمدا خبـــر مرگش را به خویشـــاوندانش می‌رساند تا دیگر کســـی منتظر بازگشتش نباشد. او به سفری می‌رود که ۱۸سال به طول می‌انجامد.

علاوه بر شناخت جهان و تحولات دنیای مدرن به زبان‌های ترکی، ارمنی، روسی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی مسلط شده و سرانجام در سوم مرداد ۱۲۵۶ه.ش که سی سال از حکومت ناصرالدین‌شاه قاجار می‌گذشت به ایران برمی‌گردد.

از ابتدای ورود به وطن شاهد جهل، فقر، ظلم و بی‌عدالتی هموطنانش بوده و آن را ضمن مقایسه با اوضاع اروپا با قلمی آتشین و نقادانه به تصویر می‌کشد؛ اما دیدار و گفت‌وگوی او با ناصرالدین‌شاه جالب است که از دو منبع که دست اول است، ذکر می‌کنم: ابتدا دوســـتعلی خان معیرالممالک می‌نویسد: «ناصرالدین‌شاه با معدودی از خواص در دیوانخانه به صحبت ایستاده بود ناگاه از لای درخت‌ها نظرش به حاج سیاح افتاد که در کنار دیوار برای شرفیابی انتظار می‌برد شاه با دیدن او سر را آهسته جنبانده با اشاره دست او را پیش خواند.

حاج سیاح با شـــتاب آهنگ حضور کرد-ناصرالدین‌شاه رو به او کرد و گفت: از قراری شـــنیده‌ام هم‌مســـلکت، ملکم در روزنامه قانون مطالبی درباره لزوم دادن آزادی و برقراری آیین مشروطه در ایران نوشته.

از قول مـــن به او بنویس که بـــه اندازه تـــو و امثال تو عقل و شـــعور دارم. تواریخ خوانـــده و از اوضاع دنیـــا نیک‌آگاهم. نیـــک می‌دانم که ترقـــی کامل مملکت بســـته بـــه آگاهی اســـت؛ ولـــی دادن آزادی به مردم نـــادان و بی‌ســـواد و رها ســـاختن عنـــان اراذل و اوباش تیـــغ در کف زنگی مســـت نهادن اســـت و آرامش و امنیت کشـــور را به خطر انداختن. مخصوصا به او بگو که این فضولی‌ها را کنار بگذارد و مطمئن باشد روزی که تشخیص دهم مردم شایستگی داشتن حکومت مشروطه و لیاقت اســـتفاده از آزادی را دارند. اگر لازم شود از تاج و تخت نیز می‌گذرم و مشروطه را به آنان ارزانی می‌دارم. مردم قبـــل از آزادی احتیاج به ســـواد و تربیت صحیح دارند ترتیب این کار را در حدود امکانات داده‌ام و بلافاصله پس از برگزاری تشریفات «قِرَن» (ســـالگرد پنجاه‌سالگی) به یاری خداوند آن را به مرحلهِ اجرا خواهم گذارد.»

■ **نقل دیدار از کتاب خاطرات حاج‌سیاح**

ادامه این گفت‌وگو را از خاطرات خود حاج سیاح می‌آورم که چشم در چشم ناصرالدین‌شاه دوخته و انتقادی نیشدار می‌کند و دیگران به خاطر بی‌ملاحظگی و اینکه ممکن اســـت مورد خشم شاه قرار گیرد او را می‌ترســـانند؛ اما ناصرالدین‌شاه به جای خشمگین شدن از حاج سیاح می‌خواهد بماند و در دربار کار کند! حاج سیاح خود می‌نویسد: «در قصر عاج دیدم شاه بر صندلی نشسته، بنده را نزدیک‌تر خواند، در حضور ایستادم، فرمود: شنیدم بسیار جای دنیا را دیده‌ای؟

عرض کردم بلی به قدری که ممکن بود، فرمود: حالِ آن وقت ایران با الان تفاوت پیدا کرده است؟ با تمام توصیه‌ها که به من

حاج سیاح در زندان

شده بود نتوانستم تقیه کرده و حق را پوشیده بدارم، بنابراین با خود گفتم، بگذار تا در مقابل تمام تملق‌گویی‌های دیگران، یک نفر هم برای یک‌بار حقیقتی را به گوش او برســـاند شاید بی‌اثر نباشد، گفتم: بلی بســـیار. یکی از تغییرات مهم در این چند سال که خوب به چشم می‌خورد، تنزل ارزش پول است، پول در مملکت مثل خون است در بدن که زندگی مملکت با حرارت و دوران آن اســـت به این ترتیب که می‌بینم در اندک زمان، این مشت نقد ایران شکسته و سوخته و فنا می‌شود و این کار عاقبت خوشی ندارد. شـــاه روی به سپهسالار کرده فرمود: خوب! جوان اســـت و قابل نگاهداری اســـت نگاهش می‌دارم. عرض کردم قابل هیچ‌گونه نوکری نیستم.

شاه فرمود: بهتر از گدایی است. عرض کردم ما آبروی فقر و قناعت نمی‌بریم/ با پادشه بگوی که روزی مقدر است. فرمود: کسی که این قدر انگشت به... دنیا کرده درویش نمی‌شود! پس مرخص فرمودند به منزل بازگشتم.»

در قصر عاج دیدم شاه بر صندلی نشسته، بنده را نزدیک‌تر خواند، در حضور ایستادم، فرمود: شنیدم بسیار جای دنیا را دیده‌ای؟ عرض کردم بلی به‌قدری که ممکن بود، فرمود: حالِ آن وقت ایران با الان تفاوت پیدا کرده است؟ گفتم: بلی بسیار. یکی از تغییرات مهم در این چند سال که خوب به چشم می‌خورد، تنزل ارزش پول است، پول در مملکت مثل خون است در بدن که زندگی مملکت با حرارت و دوران آن است به این ترتیب که می‌بینم در اندک زمان، این مشت نقد ایران شکسته و سوخته و فنا می‌شود و این کار عاقبت خوشی ندارد. شاه روی به سپهسالار کرده فرمود: خوب! جوان است و قابل نگاهداری است نگاهش می‌دارم. عرض کردم قابل هیچ‌گونه نوکری نیستم

حاج سیاح در خاطرات خود درباره امیر کبیر می‌نویسد: «بعد از آن مرحوم تا الان ایران روی بهبودی ندیده و مردی روی کار نیامده و اگر از کسی امید نجات ایران می‌رفت فورا او را از کار انداخته‌اند طریقه شاه براین بود که اصلا کسی را در ایران زنده نگذارد که مردم امیدواری به وجود او داشته باشند و در کارها اراذل و بی سر و پایان را دخالت دهد که مطیع محض و آلت اجرای مقاصد او باشد.»

حاج سیاح در ادامه به نقل از والی وقت اصفهان می‌نویسد: یک روز امیر(کبیر) را در ســـفر به اصفهان و در چهل ستون خیلی برافروخته دیدم گمان کردم خبر بدی از ســـرحدات رســـیده، به ناگاه امیر گفت: صادق رنگ‌آمیز و محمدکله‌پز را آوردند؟ عرض کردند: بلی حاضرند، وقتی ایشـــان را آوردند، پرســـید: «مگر اعلان نشـــده بود که دولت مایه آبله‌کوبی به اصفهان فرســـتاده و امر کرده مردم بـــه اولاد خود آبله‌کوبی کنند؟ شما چرا نکرده‌اید تا از هریک طفلی تلف شده ؟

گفتند: سواد نداشتیم اعلان را بخوانیم امیر گفت: جارهم زدند در معابر هم گفتند البتـــه تقصیر کردید، حکم کرد آنها را چوب بزنند والی گفت با وســـاطت من آنها به جای چوب خوردن جریمه شدند و پول جریمه نداشتند امیر از جیبش پرداخت. سیاح در ادامه می‌نویسد: [عوامل دربار] ...و دسته‌ها در رقابت با یکدیگر در تقرب و جاه داشتن نفوذ و منحصر کردن غارتگری و مال و منال به خود داشتند... کم‌کم روس و انگلیس و کشمکش ایشان در اغفال این مملکت بیچاره و سلب قوای باطنی آن شدت پیدا می‌کند.

حاجی سیاح پس از بازگشـــت به ایران وارد صحنه انقلاب مشـــروطیت شـــد و به خاطر نوشـــتن نامه‌ای انتقادآمیز به مدت ۲۰ماه رهســـپار زندان شـــد. وی از دوســـتان نزدیک سیدجمال‌الدین اسدآبادی بود.

حاج سیاح از روشنفکران عصر قاجار محسوب می‌شود. از حاج ســـیاح دو کتاب به جا مانده؛ یکی خاطرات حاج سیاح (دوره خوف و وحشـــت) و دیگری ســـفرنامه حاجی ســـیاح محلاتی اســـت که در واقع جلد دوم خاطرات محسوب و به شرح سفرهای او مربوط می‌شود.

او در تفلیس به‌شـــدت بی پول و گرسنه می‌شود. به حدی که به حال مرگ می‌افتد: «دیدم بسیار گرسنه‌ام. به حدی که به تکلم قادر نیستم. به خیال افتادم که نزد بعضی از آشنایان بروم. باز پشیمان شدم. دیدم مردن بهتر است از التجا به خلق بردن. باز با خود گفتم: حفظ بدن، واجب است. چاره‌ای باید کرد. باز به دلم گذشت که روزی‌دهنده می‌بیند که تو گرسنه و به چه حالتی. ناچار به همان وضع راضی شده و خود را مشغول به کتاب داشتم.»

حاج سیاح، درخواست از مردم را ناپسند می‌داند و در طول [نوشتن] کتاب در هیچ‌جا از کسی درخواستی نمی‌کند؛ مگر در امر تحصیل و زبان‌آموزی. او از بی فرهنگی، بی ادبی، نادانی و بی‌دینی حاکم بر جامعه که ارمغان سلسله بی‌کفایت قاجار است، رنج می برد: «به ســـرای گرجیان رفته، جویای منزل شدم. دیدم همگی زبان مرا می‌دانند [اما] و من به هیچ وجه از لسان ایشان و سایر السنه چیزی نمی‌فهمم. زیاد بر من اثر کرد که ما مردم ایران چرا این قدر بی‌تربیت شده‌ایم.»

او از عقب ماندگی ایران، عذاب می‌برد: «ســـوار بر کالسکه بخار، (قطار) برای دیدن وین و رفتن به پاریس شدیم. اتفاقا در آن کالسکه یکی از زارعان بود. چنان سخن می‌گفت که من حیران بودم که یک نفر شخص زارع، صاحب این همه اطلاع، از کجا شده! پرسید: «راه‌آهن ما بهتر است یا از شما؟» گفتم: «در خاک ما هنوز راه‌آهن نساخته‌اند.» پرسید: «چرا؟» جوابی جز «نمی‌دانم» نداشتم. ناچار سخن دیگری به میان آوردم؛ ولی خجل شدم. محجوبانه رفتیم تا رسیدیم به وین.»

حاج سیاح، پیشرفت را در ممالک دیگر می‌بیند و حسرت می‌خورد. او حتی مشاهده می‌کند که مردم کشورش در این طرف مرز، با مردم کشور همســـایه در آن طرف مرز که چند قدم بیشـــتر فاصله ندارند، چه قدر متفاوتند: «آن سوی مرز در ایروان دیدم شخصی با لباس نظام نشسته، جویای تذکره (گذرنامه) شـــد؛ چون دانســـت ترکی نمی‌دانم، با مهربانی پرسید: «همشهری اهل کدام بلد هستید؟»

گفتم: «اهـــل عراق عجـــم» ... گفـــت: «به ایـــن تذکره، چـــه دادی؟» گفتم: «بیســـت‌و پنج چهارده‌شـــاهی برابر با هفده‌ونیم ریال.» گفت: «در اینجا که ســـه زار و ده شـــاهی سه ریال و نیم نوشته‌اند؟»

حاج ســـیاح، دقت خوبی هـــم دارد. وقتی به شـــهری وارد می‌شـــود، تا جایی که امـــکان دارد مکان‌های مختلف شـــهر را بازدیـــد و در ســـفرنامه‌اش توصیـــف می‌کنـــد و از آنجاکه خیلـــی از مکان‌هـــا و وســـایلی کـــه در اروپـــا وجـــود دارد، در ایران دیده نمی‌شـــود، طبیعی اســـت که او نـــام خیلی از اینها را نداند؛ اما با اســـتفاده از فکر خـــودش نام‌های جالبی برای آنها به‌کار برده است. او به دانشکده پزشکی می‌گوید مدرسه طبیه، به دانشـــکده نظامی می‌گوید مدرسه مربیه، همچنین به پارک می‌گوید باغچه، به هنرستان: دارالفنون، به ایستگاه: آرامگاه و به واگن: کالسکه.

محمود سرابادانی

سرگذشت

رئیس غول فولادسازی کروپ

روح‌اله حاتمـــی: برتولت بیتس، صنعتگر برجســـته آلمانـــی و رئیـــس غـــول فولادســـازی کروپ از دهه ۱۹۵۰ بود. از بیتس به مثابه فردی موثر در صنعتی‌سازی مجدد دره روهـــر و تبدیل دوباره آلمـــان پس از جنگ به یک قـــدرت صنعتی یاد شده است. از دیگر سوی وی توانست در دوران سلطه فاشیســـم حدود ۲۵۰یهودی را با این عنوان که وجود آنان برای تاسیســـات نفتی ضرورت دارد، نجات دهد. وی در ســـال ۱۹۱۳ در بنتســـین به دنیا آمد و کار خود را به‌عنوان بانکدار شـــروع کرد؛ اما در ۱۹۳۸ به کمپانی نفتی شل در هامبورگ پیوســـت. وی پس از شـــروع جنگ جهانی دوم هم همچنان به همکاری با این شـــرکت ادامه داد پس از اشغال بوریسلاف (واقع در اوکراین کنونی) در ۱۹۴۱ بیتس مامور شد تا بر عملیات در حوزه‌های نفتی آن ناحیه نظارت کند و با توجه به اهمیت انرژی برای آلمان نازی، بیتس می‌توانســـت برخی از کارگران را به‌عنوان افراد موثر دستچین کند و با توجه به حضور گسترده یهودیان در آن ناحیه وی توانست جان بسیاری از آنان را به‌عنوان مهندسان شیمی، دستیاران آزمایشگاهی، مکانیک و... نجات دهد. از دیگر سو وی توانست به بسیاری از افراد که جانشان در خطر بود، پیش از گرفتاری هشدار دهد تا بتوانند فرار کنند. وی پس از پایان جنگ ریاست شرکت بیمه ایدونا را بر عهده گرفت. روش‌های تجاری نوآورانه وی و پاداش‌هایی که به کارکنان تحت امرش می‌داد، به زودی مورد توجه قرار گرفت. در ۱۹۵۳ آلفرید کروپ او را به‌عنوان رئیس شـــرکت فولادسازی خود برگزید و از آن پس به مدت ۶۰سال به همکاری به این غول فولاد ادامه داد تا این کمپانی توسعه زیادی بیابد و در دهه ۱۹۹۰ به شکل «تیسن کروپ آگ» درآید که یک شـــرکت خوشـــه‌ای آلمانی در حوزه فلزات و یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان فولاد در جهان به شمار می‌رود. وی در ۳۰ژوئیه ۲۰۱۳ درگذشت.

نویسنده، فعال مذهبی و زمین‌دار انگلیسی

ویلیام پـــن نویســـنده، فعال مذهبـــی و زمین‌دار انگلیســـی در قـــرون هفده و هجـــده میـــلادی بود که مستعمره پنســـیلوانیا را در آمریکای فعلـــی بنیان نهاد. او از پیشگامان دموکراسی و آزادی مذهبی بود و توانست روابط حســـنه‌ای با بومیان سرخ‌پوست برقرار سازد. وی در اکتبر ۱۶۴۴ در لندن به دنیا آمد. در ۱۶۸۱ پادشاه چارلز دوم بخش‌های بزرگی از زمین‌های خود واقع در آمریکای شمالی در امتداد سواحل اقیانوس اطلس را به پن واگذار کرد تا بدهی‌های دربار به پدر پن یعنی ســـر ویلیام پن، دریاســـالار و سیاستمدار برجسته آن دوران را تسویه کند. این زمین‌ها مشتمل بر ایالات کنونی پنسیلوانیا و دلاور بود. پن فی‌الفور بادبان برافراشت و راهی سرزمین آمریکا شد تا به سمت خلیج دلاور و رودخانه دلاور پیش براند (۱۶۸۲). در این زمان استعمارگران حاضر در منطقه با پن به‌عنوان مالک جدید خود پیمان بستند. پن پس از آن به سمت بالادســـت رودخانه دلاور پیش رفت و در کرانه غربی آن، شـــهر فیلادلفیا را بنیان نهاد. با این حال حاکمیت پن که سخت تحت آموزه‌های فرقه کویکر بود، از سوی استعمارگران هلندی و سوئدی و همچنین انگلیسی‌هایی که از قبل در ناحیه دلاور سکونت گزیده بودند، مورد اســـتقبال چندانی قرار نگرفت. این اســـتعمارگران باسابقه هیچ پیوستگی تاریخی با پنسیلوانیا نداشتند و از همین رو تقریبا فی‌الفور درصدد تشکیل هیات نمایندگان خود برآمدند تا اینکه بیست‌وسه سال بعد یعنی در ۱۷۰۴ توانستند به این هدف خود برسند. پن به‌عنوان یکی از حامیان اولیه اتحاد استعماری در راستای پیوستگی و ادغام همه مستعمرات انگلستان در قاره آمریکا -که اکنون ایالات متحده نام گرفته- کوشید. با این حال وی به دموکراسی و مبانی آن سخت پایبند بود. پن به‌عنوان یک کویکر صلح‌طلب مشکلات برآمده از جنگ را سخت مورد توجه قرار داد. وی پروژه‌ای دوراندیشانه و متفکرانه با نام «ایالات متحده اروپا» با ایجاد یک مجمع اروپایی بنیان نهاد. از همین رو وی نخستین متفکری است که به ایجاد «پارلمان اروپا» و آنچه در اواخر قرن بیستم به شـــکل اتحادیه اروپا درآمد، توجه کرده است. وی در ۳۰ژوئیه ۱۷۱۸ در انگلستان درگذشت.

واحد آموزش روزنامه دنیای اقتصاد
آموزش را متفاوت فراگیرید
Lms.den.ir

آگهی مناقصه عمومی شماره ۳۱-۱۴۰۱

شرکت اطلس پالایش نفت جی اروند (سهامی خاص)

شرکت اطلس پالایش نفت جی اروند در نظر دارد « **ارائه خدمات مهندسی خرید پروژه پلنت تولید و ذخیره سازی قیر بندر امام خمینی ماهشهر**» خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به مشاور واجد شرایط واگذار نماید. شرایط مناقصه به شرح ذیل می‌باشد:

مهلت دریافت اسناد مناقصه: حداکثر تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۱۵.

آخرین مهلت تکمیل اسناد و ارائه پیشنهاد مالی: حداکثر تا ساعت ۱۲:۰۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۲۲.

مدت زمان ارائه خدمات: حداکثر ۲۷۰ روز تقویمی پس از ابلاغیه خریدار.

متقاضیان شرکت در مناقصه می بایست حائز شرایط ذیل باشند:

۱ - داشتن شخصیت حقوقی. ۲- داشتن سابقه کاری مشابه.

۳- دارای رتبه ۱ سازمان برنامه و خدمات مشاوره مهندسی در حوزه پالایشگاه و خطوط انتقال نفت و گاز

دریافت اسناد مناقصه: www.atlasjeyarvand.com

محل تحویل پاکات پیشنهادات:

دفترمرکزی: تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از خیابان دستگردی خیابان شهید بابک بهرامی، پلاک ۷۴، طبقه ۵ . شماره تماس: ۸۸۶۵۴۸۱۵ ، ۸۸۶۵۷۴۶۳ داخلی ۱۱۴ - واحد تامین تدارکات.

شرکت اطلس پالایش نفت جی اروند

صبا فولاد خلیج فارس (شرکت سهامی خاص)
Persian Gulf Saba Steel Co.(PJS)

آگهی تجدید مناقصه
خدمات آتش‌نشانی و امداد و نجات مجتمع صبا فولاد خلیج فارس به شماره ۱۲۵-۰۱

شـــرکت صبـــا فـــولاد خلیـــج فـــارس در نظـــر دارد " خدمـــات آتش‌نشـــانی و امـــداد و نجـــات مجتمـــع صبـــا فـــولاد خلیـــج فـــارس خـــود را از طریـــق برگزاری مناقصـــه یـــک مرحلـــه ای بـــا انجـــام ارزیابـــی کیفـــی بـــه پیمانـــکاران واجـــد شـــرایط محـــول نمایـــد . لـــذا از کلیـــه اشـــخاص حقوقـــی کـــه در ایـــن حـــوزه فعالیـــت دارنـــد، دعـــوت بـــه عمـــل مـــی آیـــد جهـــت دریافـــت و تحویـــل پاکـــت اختصاصـــی مناقصـــه بـــه نشـــانی : بندرعبـــاس- کیلومتـــر ۱۳ بزرگـــراه شـــهید رجایـــی- منطقـــه ویـــژه اقتصـــادی صنایـــع معدنـــی و فلـــزی خلیـــج فـــارس- شـــرکت صبافـــولاد خلیج‌فارس-واحـــد حراســـت مراجعـــه نماینـــد.

نحوه دریافت اسناد مناقصه

۱-واریز مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ریال بابت خرید اســـناد به شـــماره حســـاب ۱۰۳۶۲۰۳۵۹۱ یا شـــماره شـــبا IR۵۷۰۷۰۰۰۰۱۰۰۰۲۲۳۶۲۰۳۵۹۰۰۱ نزد بانک رســـالت گلشـــهر بندرعباس بـــه نـــام شـــرکت صبافـــولاد خلیج فارس.

۲- ارائـــه یـــا ارســـال نامـــه اعـــلام آمادگـــی کـــه در آن ایمیـــل رســـمی آن شـــرکت همـــراه بـــا شـــماره تمـــاس بـــا کارشـــناس مربوطـــه ذکـــر شـــده باشـــد، بـــه عـــلاوه فیـــش واریزی به دبـــیرخانه کمیســـیون معـــاملات به آدرس TCO@sabasteel.co با موضـــوع اعـــلام آمادگی برای شـــرکت در مناقصه ۱۲۵-۰۱.

پس از دریافت نامه اعلام آمادگی و فیش واریز مبلغ، اسناد مناقصه، قرارداد و تمامی تغییرات احتمالی از طریق ایمیل فوق الذکر به مناقصه گران ارسال و اعلام خواهد شد.

تضمین شرکت در مناقصه :

ضمانت‌نامه بانکی جهت شرکت در مناقصه به مبلغ ۱,۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰(یک میلیارد و نهصد میلیون) ریال

جدول زمانی انجام مناقصه :

آخرین مهلت دریافت اسناد	آخرین مهلت تحویل پاکات	تاریخ گشایش پاکات الف و ب	تاریخ گشایش پاکت ج
۱۴۰۱/۰۵/۱۹	۱۴۰۱/۰۶/۰۱	۱۴۰۱/۰۶/۰۱	۱۴۰۱/۰۶/۰۸

کلیـــه متقاضیـــان موظفنـــد نســـبت بـــه تکمیـــل اســـناد (مطابـــق مـــوارد منـــدرج در آگهـــی) در ســـه پاکـــت جداگانـــه (شـــامل ضمانت نامه بانکی ، اســـناد ارزیابی و پیشـــنهاد قیمـــت) مهروموم شـــده اقـــدام و جهـــت تحویـــل پـــاکات تـــا ســـاعت ۱۳ مـــورخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۱به آدرس ذیـــل مراجعه نمایند.

آدرس جهت ارسال اسناد :

استان هرمزگان ، بندرعباس ، کیلومتر ۱۳ جاده بندر شهید رجایی ، منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس ، مجتمع صبا فولاد خلیج فارس ، واحد حراست شماره تلفن ۳۱۰۰ با کد ۰۷۶ داخلی ۲۳۵ و ۱۱۷ جهت آگاهی بیشتر متقاضیان می باشد.

هزینه انتشار آگهی درج شده در روزنامه به عهده برنده مناقصه می باشد.